

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

بررسی آموزه‌های

آداب استادی و ادب ساگردی

در آثار شاخص ادب فارسی تا قرن هشتم

«پایان نامه کارشناسی ارشد»

استاد راهنما: جناب آقای دکتر عباسعلی وفایی

رحمة الله علیه

استاد مشاور: استاد فقید جناب آقای دکتر محمد حسن حائری

دانشجو: محمد مهدی ماستری فراهانی

شهریور ۱۳۹۲

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی آموزه های آداب استادی و ادب شاگردی در آثار شاخص ادب فارسی تا قرن هشتم		
نویسنده / محقق: محمد مهدی ماستری فراهانی		
مترجم: ندارد		
استاد راهنما: دکتر عباسعلی وفایی		
استاد مشاور/استاد داور: دکتر محمد حسن حائری/ دکتر محمد حسن حسن زاده نیری		
کتابنامه: دارد	واژه نامه: ندارد	
نوع پایان نامه: <input checked="" type="radio"/> بنیادی	<input type="radio"/> توسعه ای	<input type="radio"/> کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیلی: ۹۱-۹۲	
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی	دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی
تعداد صفحات: ۲۴۰ صفحه	گروه آموزشی: ادبیات فارسی	
کلید واژه ها به زبان فارسی: آداب استادی، ادب شاگردی، شیخی، مریدی، معلم، متعلم، ادب تعلیمی		
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: Didactic Literature , Professorship, Mastership Proprieties, Disciple, Apprentice, Student Politeness		

چکیده

الف. موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف):

تعلیم و تربیت در فرهنگ ایران اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بخش عمده ای از ادبیات فارسی با رویکردی اخلاق مدارانه نوعی از انواع ادبی با عنوان «ادب تعلیمی» را تشکیل می دهد. تعامل استاد و شاگرد و محضر درس و بحث در این فرهنگ از آداب و اصولی جدی برخوردار است. توجه به این آداب و اصول و تعیین و تبیین چارچوب اخلاقی آن نیز از مواردی است که در این حیطه می گنجد. از آنجا که آثار ادب فارسی از منظر فوق تا کنون مورد مطالعه قرار نگرفته است، ورود به این عرصه دستمایه تحقیق حاضر شده است.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها:

آداب استادی و ادب شاگردی به عنوان بخشی از اصول اخلاقی فرهنگ ما در دو شاخه ایرانی و اسلامی است. با توجه به اهمیت تعلیم و تربیت و ارزش کسب علم و معرفت، توجه به اصول فوق در فرهنگ ایرانی و اسلامی چه پیشینه ای دارد؟ آثار ادب فارسی به عنوان آینه این فرهنگ چقدر و چگونه به این موضوع پرداخته است؟

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های

نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده ها:

نخست با مراجعه به منابع تاریخ ادبیات، آثار ادب فارسی تا قرن هشتم هجری تعیین گردید. سپس از آن میان آثار شاخص با رویکرد ادب تعلیمی، به لحاظ محتوا و پرداخت به موضوع تعامل استاد و شاگرد و آداب و اصول تعلیم و تربیت مورد مطالعه قرار گرفت. لکن از آنجا که برخلاف انتظار آثار مذکور چنان که باید و شاید ورودی درخور به موضوع نداشتند، دامنه تحقیق و مطالعه فراتر رفته و کلیه آثار در دسترس ادب فارسی تا قرن هشتم بررسی شد. این آثار به لحاظ توجه به موضوع فوق مورد بررسی دقیق قرار گرفت و کلیه فصول و ابواب و قطعات مختلف اعم از نظم و نثر شناسایی و استخراج گردید. و در نهایت موارد گزینش شده از زوایای گوناگون مقایسه و تحلیل و بررسی شد.

ت. یافته های تحقیق:

در خصوص آداب استادی و ادب شاگردی، در آثار ادب فارسی تا قرن هشتم هجری هیچ اثر مستقلی وجود ندارد. توجه به موضوع آداب استادی و ادب شاگردی در آثار ادب فارسی نسبت به حجم آثار و گستردگی موضوعات مختلف، بسیار کم و خلاف توقع و انتظار است. این مسئله در مقایسه با آثار عربی بسیار قابل تأمل و سؤال برانگیز می شود.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:

از آنجا که زبان علمی مدارس و دانشگاه ها در قرون نخستین اسلامی، عربی بوده است، سخنوران نامی فارسی زبان توجه جدی و درخوری هم تراز سایر مقوله ها، به موضوع آداب استادی و ادب شاگردی در آثار فارسی خود نداشته اند. با این حال ادبیات غنی فارسی از موضوعی در این مرتبه و درجه خالی نمانده است. خصوصاً آثار متصوفه سهم سنگینی از این بار را ذیل عناوین شیخی و مریدی بر دوش کشیده است.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما: دکتر عباسعلی وفایی

سمت علمی: استاد

نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی

رئیس کتابخانه:

با یاد

مهربانی ها و نیک خوئی های

آن براستی استاد

مرحوم دکتر محمد حسن حائری

روح بلندش میمان لطف و احسان و کرم اهل بیت علیهم السلام باد

چکیده

ادب و اخلاق به عنوان عناصر اصلی و مهم فرهنگ، همواره نزد همه انسانها با هر قوم و ملیتی جایگاه ویژه ای داشته است. این ویژگی در سرزمین پهناور ما، ایران اسلامی، موضعی گران تر می یابد. و تأمل و توجه ای به مراتب حساس تر و دقیق تر می طلبد. چرا که ایرانیان در این مهم از دو منشأ و آبشخور عظیم سیراب شده اند؛ یکی تمدن سترگ و دیرینه ایرانی و دیگری کامل ترین دین و آئین آسمانی یعنی اسلام.

در این فرهنگ، تعلیم و تربیت و تحصیل علم و دانش، اهمیت، ارزش و اعتبار بسیار والائی دارد. چندانکه بخش عمده ای از ادبیات فارسی – به عنوان آیینۀ تمام نمای این فرهنگ – با رویکردی اخلاق مدارانه، نوعی از انواع ادبی با عنوان «ادب تعلیمی» را تشکیل می دهد.

محضر درس و بحث و نیز تعامل دو عنصر اصلی آن یعنی استاد و شاگرد، آداب و اصولی دارد که تعیین و تبیین چارچوب اخلاقی آن در حیطه ادب تعلیمی می گنجد. به دیگر سخن آداب استادی و ادب شاگردی بخشی از اصول اخلاقی فرهنگ ما در دو شاخه ایرانی و اسلامی است. جستار حاضر سعی در بررسی آثار شاخص ادبیات غنی فارسی به لحاظ پرداخت و توجه، به اصول و مبانی رفتار استاد و شاگرد دارد.

در این راستا نخست جایگاه و پیشینه موضوع در انواع ادبی، اسلام و آثار عربی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. سپس میزان توجه و پرداخت به آن در آثار ادبیات فارسی تا قرن هشتم هجری ارزیابی می شود.

در ادامه، به تحلیل و بررسی آثار مذکور از وجوه مختلفی همچون: لحن و زبان، ساختار، شیوه و روش، منشأ و مأخذ، کاربرد در دو بستر زمان و مکان و دو حوزه فرهنگی و اجتماعی، گستره موضوعی و بسامد مضامین، می پردازد.

و در نهایت، ابواب و فصول، قطعات و عبارات مرتبط با آموزه های آداب استادی و ادب شاگردی را که از متون آثار، برگزیده شده است، ارائه و بررسی می نماید.

کلید واژه:

آداب استادی، ادب شاگردی، شیخی، مریدی، معلم، متعلم، ادب تعلیمی

فهرست

۱۳ مقدمه
۱۷ بخش اول پیشینه و جایگاه آداب استادی و ادب شاگردی
۱۹ • جایگاه آداب استادی و ادب شاگردی در انواع ادبی
۲۱ • آموزه های آداب استادی و ادب شاگردی در اسلام
۲۵ • آموزه های آداب استادی و ادب شاگردی در آثار عربی
۳۷ بخش دوم: ادبیات فارسی و آموزه ها
۳۹ • آثار شاخص ادب فارسی و میزان توجه به آموزه های استاد شاگردی
۴۳ • نگاهی به سهم آثار متصوفه در ارائه آموزه های استاد شاگردی
۴۷ • جوانب و علل عدم توجه آثار فارسی به آموزه ها در مقایسه با آثار عربی
۵۵ بخش سوم: شیوه ارائه و منشاء آموزه ها
۵۷ • لحن و زبان در خطاب و بیان
۶۱ • ساختار (نظام بندی و انسجام در تبیین) و روش (روش های عقلی و بیان علمی)
۶۵ • منشأ و مأخذ آموزه ها
۶۹ • کاربرد انواع آموزه ها در بستر زمان و مکان و حوزه فرهنگی و اجتماعی
۷۱ • مضامین مورد توجه آثار در موضوع استاد و شاگردی

۷۵ بخش چهارم: بررسی آثار و گزیده متون
۷۷ • اخلاق ناصری
۸۵ • مرصاد العباد
۹۷ • قابوسنامه
۱۰۵ • سفرنامه ناصر خسرو
۱۱۱ • جوامع الحکایات
۱۱۵ • کتاب الانسان الكامل
۱۲۳ • کشف المحجوب
۱۳۳ • گلستان
۱۴۱ • بوستان
۱۴۹ • تمهیدات عین القضاة
۱۵۵ • اسرار التوحید
۱۵۹ • الهی نامه
۱۶۷ • تذکره الاولیاء
۱۷۳ • حدیقه الحقیقه
۱۸۳ • ترجمه رساله قشیریّه
۱۹۱ • مثنوی معنوی
۲۱۱ • مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه
۲۲۳ • مصنفات بابا افضل
۲۲۷ نتیجه گیری
۲۳۳ کتابنامه

مقدمه

ادب و اخلاق به عنوان عناصر اصلی و مهم فرهنگ، همواره نزد همه انسانها با هر قوم و ملیتی جایگاه ویژه ای داشته است چندانکه گاه ملاک و معیاری برای ارزش گذاری بوده است.

از یک سو سرمایه ای برای فخر و افتخار و از سوی دیگر ثروتی برای اعتبار.

انسان ها حتی در روابط عادی و روزمره خود از این دو عنصر معنوی در جهت مقاصد مادی کمک می گیرند. فرد اخلاق مداری که آداب دان و مبادی آداب است نزد مردم معتبر و قابل اعتماد است.

این ویژگی در سرزمین پهناور ما، در این مرز پرگهر، در ایران اسلامی ما موضعی گران تر می یابد. و تأمل و توجه ای به مراتب حساس تر و دقیق تر می طلبد. چرا که ایرانیان در این مهم از دو منشأ و آبشخور عظیم سیراب شده اند.

نخست تمدن دیرینه و مقتدر، با فرهنگی پیشرفته و پیامبری آسمانی که جوهره تعلیمی اش مبتنی بر پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک بوده است، و در عصر شکوفایی خود بر همه ممالک برتری داشته است.

دوم کامل ترین و جامع ترین ادیان الهی از ابتدای خلقت، که توسط پیامبر و رسولی که بر برترین ها برتری دارد، از سوی خداوند به بشریت هدیه شده است. اسلام آخرین دین الهی در ناب ترین نمودش یعنی تشیع در آمیزش با آن تمدن باستانی و دمیدن روحی متعالی در آن، ایران اسلامی را بنا می کند. ایرانی که تا به امروز جهانیان دانسته و ندانسته از برکات دانشمندان مشهور و گمنامش بهره مند بوده اند.

در سرزمینی که دین و دنیایش دانش را ارج می نهد. و ادب و اخلاق و فرهنگش دستی در آسمان و دستی در زمین دارد به یقین استاد و شاگردش نیز شأن و منزلتی والا دارد. این نوشتار سعی در بررسی آثار ادبیات غنی فارسی به لحاظ پرداخت و توجه به اصول و مبانی رفتار استاد و شاگرد دارد.

نظر به وسعت و عمق این ادبیات، دامنه جستار فقط آثار شاخص و محدوده تاریخی تا قرن هشتم را در بر می گیرد. به عبارت دیگر آثار شاخص ادب فارسی تا قرن هشتم هجری. برای این منظور ابتدا به منابع ذیل در تاریخ ادبیات فارسی مراجعه شد:

تاریخ ادبیات در ایران اثر دکتر ذبیح الله صفا

تاریخ نظم و نثر در ایران اثر دکتر سعید نفیسی

تاریخ ادبیات ایران بعد از اسلام اثر استاد بدیع الزمان فروزانفر

تاریخ ادبیات ایران اثر استاد جلال الدین همایی

در این مراجعه، هدف شناسایی آثاری بود که دارای خصوصیات بدین شرح باشند:

۱- مربوط به دوره تا قرن هشتم هجری باشند

۲- از اعتبار و جایگاه خاص برخوردار باشند

۳- از نوع ادب تعلیمی به شمار بیایند

۴- صاحبان آثار از برترین های نام آوران ادب فارسی باشند

۵- اختصاصاً به موضوع روابط متقابل استاد و شاگرد پرداخته باشند

که البته پس از شناسایی و احصای آثار با ویژگی های فوق و خصوصاً قطع امید از یافتن اثر مستقل در موضوع بحث، دامنه جستجو از آنچه ذکر شد فراتر رفت. چنانکه هرگونه اثر در دسترس ادبیات فارسی تا قرن هشتم را شامل گردید.

در این آثار دو خصوصیت از اولویت برخوردار بود.

نخست آنکه اثر در ادب فارسی، اثری شاخص و شناخته شده باشد

دوم بخش مستقلی از آن در حد فصل یا باب و ... به موضوع استاد و شاگردی اختصاص داشته باشد.

بنا بر این از یک سو آثار شاخص که گاه در حد چند صفحه و در مقایسه با حجم اثر بسیار جزئی و خرد به موضوع ورود کرده بودند بررسی شد و از سوی دیگر آثار نه چندان شاخص که یک فصل و باب مستقل در این موضوع داشتند.

در هر دو مسیر نمونه های مرتبط، از این آثار گزینش و جمع آوری شد.

با بررسی موازی این نمونه ها نتایج درخور توجهی به دست آمد که در بخش سوم این نوشتار قابل مطالعه است.

همزمان، سعی شد موضوع استاد و شاگردی به طور کلی در آثار و مقالات علمی در حوزه های ادبیات فارسی، تاریخ، علوم تربیتی و فلسفه تعلیم و تربیت نیز از نظر دور نماند. که البته این نگاه گذرا در روح پژوهش و منظر و مسیر آن بسیار مؤثر بود. برخی از اثرات آن در بخش اول و دوم قابل مشاهده است.

نتایج حاصل مبتنی بر آنچه ذکر شد، در این نوشتار به ترتیب ذیل ارائه شده است:

بخش اول؛ شامل سه فصل

در فصل اول موضوع جایگاه آموزه های آداب استادی و ادب شاگردی در ادب تعلیمی مطرح می شود

در فصل دوم جایگاه آموزه های آداب استادی و ادب شاگردی در اسلام

و در فصل سوم آثار شاخص به زبان عربی در این موضوع بررسی می شود

بخش دوم؛ شامل سه فصل

در بخش دوم، ادبیات فارسی در مواجهه با موضوع این جستار طی سه فصل بررسی می شود.

فصل اول نگاهی دارد به آثار شاخص ادب فارسی به لحاظ میزان توجه و پرداختن به آموزه‌های استاد و شاگردی

فصل دوم بررسی نقش آثار متصوفه در ارائه آموزه‌های استاد شاگردی

و فصل سوم، جوانب و علل عدم توجه آثار فارسی به آموزه‌ها در مقایسه با آثار عربی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد.

بخش سوم؛ شامل پنج فصل

موضوع این بخش مسائل مربوط به بیان آموزه‌ها در آثار جمع آوری شده است.

فصل اول: زبان و لحن بیان آموزه‌ها را از دو منظر بحث می‌کند

فصل دوم: ساختار آثار را از نظر نظام‌مندی و انسجام در تبیین آموزه‌ها و نیز شیوه و روش آنها در ارائه آموزه‌ها را از نظر روش‌های عقلی و بیان علمی بررسی می‌کند.

فصل سوم: درباره منشأ و مأخذ دریافت و بیان آموزه‌هاست

فصل چهارم: به بررسی کاربرد انواع آموزه‌ها در دو بستر زمان و مکان و دو حوزه فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد

و فصل پنجم، تحلیلی است از مضامین مورد توجه آثار در موضوع استاد و شاگردی و طبقه‌بندی کلی آنها.

بخش چهارم؛ شامل هجده فصل

در این بخش آثار شناسایی شده، ضمن ارائه فصول یا قطعات مرتبط آنها بررسی می‌شود.

بخش اول

پیشینه و جایگاه

آداب استادی و ادب شاگردی

✓ جایگاه آداب استادی و ادب شاگردی در انواع ادبی

✓ آموزه‌های آداب استادی و ادب شاگردی در اسلام

✓ آموزه‌های آداب استادی و ادب شاگردی در آثار عربی

فصل اول

جایگاه آداب استادی و ادب شاگردی در انواع ادبی

یکی از انواع ادبی، ادبیات تعلیمی است. در تعریف آثار این نوع گفته‌اند: «اثر ادبی تعلیمی اثری است که دانشی (چه عملی و چه فطری) از معرفت بشری را تشریح کند یا یک مسأله اخلاقی، مذهبی، فلسفی را به شکل ادبی عرضه دارد.»^۱

این آثار می‌توانند صرفاً جنبه تعلیمی داشته باشند و در جهت آموزش به کار روند و یا اینکه می‌توانند با بهره‌مندی از عنصر «تخیل ادبی» در جهت اثرگذاری بیشتر و جذابیت برای مخاطب به صورت روایی ارائه شود.

در خصوص نمونه‌هایی از این آثار می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«ابن مالک «الفیه» خود را در آموزش صرف و نحو عرب ساخت و فراهانی نصاب خود را به جهت آموزش یک دوره کامل از علوم به مبتدیان سرود.»^۲ این هردو اثر جنبه صرفاً تعلیمی دارند. «بسیاری از شاهکارهای ادبی جنبه تعلیمی دارند. و از این قبیل است مثنوی مولوی و بوستان سعدی»^۳

همانطور که ذکر شد موضوعات حوزه اخلاق از شاخه‌های ادب تعلیمی به شمار می‌روند. حوزه‌ای که موضوع آن رفتار و کردار آدمی است در مناسبات مختلف. از جمله خودش یا در تعامل با دیگران.

پس از آنجا که آموزه‌های آداب استادی و ادب شاگردی دقیقاً به روابط استاد و شاگرد و مسائل مربوطه، با در نظر داشتن حسن و قبح آنها می‌پردازد، بدیهی است که ذیل این مجموعه قرار می‌گیرد.

به طور خلاصه آموزه‌های آداب استادی و ادب شاگردی بخشی از حوزه اخلاق در نوع ادب تعلیمی از انواع ادبیات به شمار می‌رود.

پی‌نوشت:

۱ - شمیسا، سیروس. (۱۳۶۹) انواع ادبی. دوم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور - صفحه ۱۷۰

۲ - همان، صفحه ۱۷۱

۳ - همان صفحه ۱۷۱

فصل دوم

پیشینه و جایگاه

آموزه‌های آداب استادی و ادب شاگردی در اسلام

منزلت علم و آموزش و کسب آن یکی از بارزترین و معروفترین ویژگی‌های دین مبین اسلام است. آیات متعدد قرآن کریم و احادیث فراوانی که در این زمینه روایت شده است و فعالیت گسترده و پربار دو امام معصوم ما شیعیان حضرت امام محمد باقر علیه السلام و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بهترین گواه این امر است.

آیات و احادیث از زوایای گوناگون از جمله رفتار استاد و شاگرد در آثار ادب فارسی ذکر و بررسی شده است. و در قسمت‌های برگزیده این متون که در بخش پایانی این جستار قابل ملاحظه است.

ولی در اینجا به نمونه‌ای اشاره می‌شود که خود به تنهایی و به تمامی گویای جایگاه آموزه‌های استاد شاگردی در اسلام است. نمونه‌ای بسیار شاخص و متعالی و ارزشمند که در متون فارسی مورد توجه قرار نگرفته است.

حضرت علی بن الحسین علیهما السلام حضرت سید الساجدین امام زین العابدین در روایتی که به رساله حقوق معروف است، ضمن برشمردن پنجاه حق که همواره بر ذمه هر انسانی است، دو حق استاد و شاگرد را نیز بیان فرموده‌اند.

فرمایش حضرت درباره حق استاد چنین است:

و حق سائسك بالعلم، التعظيم له، والتوقير لمجلسه، وحسن الاستماع إليه، و الإقبال عليه،
وأن لا ترفع عليه صوتك، وأن لا تجيب أحدا يسأله عن شيء حتى يكون هو الذي يجيب،
ولا تحدث في مجلسه أحدا ولا تغتاب عنده أحدا وأن تدفع عنه إذا ذكر عندك بسوء وأن
تستر عيوبه وتظهر مناقبه ولا تجالس له عدوا ولا تعادي له ولما فإذا فعلت ذلك شهد لك
ملائكة الله بأنك قصدته، وتعلمت علمه لله جل اسمه لا للناس.

- و حقّ معلّمات این است که:
- او را بزرگ شمرده
- و جلسهٔ درسش را محترم بداری
- و به درسش خوب گوش دهی
- و به وی کاملاً توجه کنی
- و صدایت را در مقابل استاد بلند نکنی
- و پاسخ هیچکس از سؤال کنندگان او را ندهی تا خود پاسخ گوید
- و در مجلس او با کسی سخن نگوئی و از کسی غیبت نکنی
- و هرگاه در حضور تو از او به بدی یاد شود از او دفاع کرده،
- عیوبش را پنهان و فضائلش را آشکار کنی
- و با دشمن او ننشینی
- و با دوست او دشمنی نکنی.

پس هنگامی که چنین کردی، فرشتگان خداوند گواهی می دهند به اینکه تو
آهنگ خدا کرده و دانش استاد را بخاطر خدا فرا گرفته ای، نه بخاطر مردم.^۱

در فرازی دیگر از این رساله امام علیه السلام دربارهٔ حق شاگرد چنین می فرماید:

وأما حق رعيتك بالعلم فإن تعلم أن الله عز وجل إنما جعلك قيما لهم فيما آتاك من العلم
وفتح لك من خزائنه فإن أحسنت في تعليم الناس، ولم تخزق بهم، ولم تضجر عليهم، زادك الله

من فضله، وإن أنت منعت الناس علمك أو خرقت بهم عند طلبهم العلم منك كان حقا على الله عز وجل أن يسلبك العلم وبهائه ويستقط من القلوب محلك.

و اما حق آنان که از راه تعلّم، رعیت تو هستند این است که: بدانای خدای عزّ و جلّ ترا درباره دانشی که به تو ارزانی داشته است، سرپرست آنان فرموده، از گنجینه‌های خود بر تو ابوابی گشوده است، پس اگر در آموزش مردم؛ نیکی کنی، و با آنان تندی نکرده و تنگدیشان نسازی، خداوند از فضل و کرمش بر دانش تو می‌افزاید و اگر مردم را از دانش خود محروم ساخته و به هنگام درخواست آموزش آنان را تنگدل کردی، بر خدا سزاوار است که دانش و صفای آن را از تو بازستاند و از جایگاه بلندی که در دل‌ها داری ترا فرود آورد.^۲

همانطور که ذکر شد احادیث بسیاری در خصوص آموزه‌های آداب تعامل استاد و شاگرد نقل شده است و ذیل چندین آیه از آیات قرآن کریم نیز تفاسیر و دریافت‌های فراوانی ارائه شده است که همه در مجموع بیانگر دیدگاه دین مبین اسلام به این موضوع و مرتبت و منزلت آن در آموزه‌های دینی ماست.

ولی ذکر فقط این روایت و اکتفای به آن به عنوان نماینده این دیدگاه، صرفا از حیث مشت نمونه خروار نیست. درباره خود این روایت نیز شرح و تفصیل‌های زیادی موجود است که به نوعی بیانگر وسعت و عمق آن است.

لکن شاید تأمل بر یک نکته در این روایت ما را بس باشد که دریابیم چه گوهر متفاوتی پیش رو داریم و بر کرانه چه اقیانوس عظیمی از مفاهیم ایستاده ایم. ذکر این نکته نه در مسیر شرح و تفسیر آن بلکه صرفا جهت وسعت بخشیدن افق دید نسبت به آن قابل تأمل است.

اما نکته مورد بحث:

تقریباً می توان گفت همه آثاری که به این موضوع پرداخته اند - حتی آثار غیر فارسی - کانون توجه و بیان غالب در این آداب، وظایف استاد و شاگرد است. در حالی که امام سجاد علیه السلام از منظر «حق و حقوق» به این موضوع نگاه می فرماید.

بر اهل معنا و اشارت پوشیده نیست و قطعاً ضرورت توضیح ندارد که این دو منظر علیرغم اشتراک عملی، چه تفاوت شگرفی در مفهوم داشته و منظر امام علیه السلام از چه بار تربیتی سنگینی برخوردار است.

پی نوشت:

۱ - سپهری، محمد، «ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد علیه السلام»، صص ۱۱۳ و ۱۱۴

۲ - همان ص ۱۲۴